



شناخت گروه‌های اولویت‌دار در آموزش روش‌های مناسب برخورد با بحران‌های شهری (مشهد)

رستم صابری فر^۱

فردوس، دانشگاه پیام نور مرکز فردوس
SABERIFAR@YAHOO.COM

چکیده

معمولاً مردم در هنگام وقوع حوادث، عکس‌العمل مناسبی ارائه نمی‌دهند، به همین دلیل، شناسایی عواملی که در این بین نقش اساسی دارد، ضروری به نظر می‌رسد. به این منظور، مطالعه حاضر با استفاده از نمونه‌ای از سرپرستان خانوار در شهر مشهد به صورت دو گروه مورد (۱۰۶) و شاهد (۱۰۶) به انجام رسیده است. برای انتخاب نمونه، از روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای بهره‌گیری شده است. آنالیز داده‌ها در مدل تک متغیره با استفاده از آزمون‌های خی دو، دقیق فیشر و او در مدل چندگانه با روش رگرسیون لجستیک انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که در تحلیل تک متغیره شغل، تحصیلات، سن سرپرست و تحصیلات همسر، تعداد فرزندان، سطح زیربنای مسکن و مدت اقامت در شهر در دو گروه اختلاف معنی داری نشان می‌دهد. تفاوت معنی داری در سن و شغل همسر، رضایت از وضعیت خدماتی شهر و سطح درآمد دیده نمی‌شود. در تحلیل چندگانه متغیرهای سن، شغل، مدت سکونت در شهر، تعداد فرزند و زیربنای مسکن در مدل باقی ماندند که ارتباط واقعی معنی دار آماری با نوع برخورد در حضور اثر سایر متغیرها داشتند. بر این اساس، به نظر می‌رسد برای کاهش روش های غیر علمی و خودسرانه در مقابله با بحران‌های شهری، باید اولویت آموزش بر کسانی قرار گیرد که دوره‌های آموزشی را در ارتباط با شرایط بحرانی طی نکرده، در سنین بالاتری قرار دارند، مدت اقامت آن‌ها در شهر کوتاه‌تر بوده، دارای فرزند بیشتر هستند و مسکن آن‌ها از زیر بنای کمتری برخوردار است.

واژگان کلیدی: مدیریت بحران، آمادگی در مقابل بحران، کاهش آسیب، مشهد.

۱- مقدمه

از ۴۰ نوع سانحه شناخته شده در دنیا، ۳۱ مورد در ایران حادث شده است (بیرودیان، ۱۳۸۵). از آنجا که هم اکنون بیش از ۶۰ درصد مردم ایران در شهرهای زندگی می‌کنند و به دلیل تراکم و ازدحام بالا در این مناطق، احتمال وقوع

^۱ استادیار گروه جغرافیا (دانشگاه پیام نور)، تلفن ۰۵۳۴-۲۲۲۱۸۰۵ و ۰۹۱۵۵۲۸۰۷۲۶





حوادث طبیعی پر تلفات در شهرها، بسیار بالاست. این در حالی است که با توجه به سابقه موجود، بحران‌های اجتماعی این مناطق نیز فراوان است (پیران، ۱۳۸۳). در نتیجه، آمادگی برای مقابله با این حوادث و مدیریت بحران، لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

تاکنون اولویت‌های مورد توجه در مدیریت بحران، اقدامات فیزیکی و مهندسی بوده و برای ارتقای وضعیت رفتار اولیه مردم، اقدام قابل توجهی به انجام نرسیده است. به همین دلیل، انجام اقدامات لازم، در ارتباط با آموزش نحوه رفتار انسان‌های حادثه دیده، بسیار ضروری به نظر می‌رسد. با وجود آن که حرکات محدود و اندکی توسط سازمان‌هایی چون هلال احمر جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۹) در این ارتباط آغاز شده است، اما در مجموع، توجه به مردم و نوع عکس‌العمل آن‌ها هنوز در عمل مورد توجه نمی‌باشد. بنابراین، در اغلب موارد مردم بیش از آن که به رفتارهای صحیح و علمی متکی باشند، با اقدامات احساسی و خودسرانه، بر دامنه مشکلات افزوده‌اند. شرایطی که نشان می‌دهد اولاً این افراد آموزش‌های لازم و کاربردی را دریافت نکرده‌اند و در ثانی، اعتماد و اطمینانی به سازمان‌های امداد و نجات نداشته و منتظر اقدامات آن‌ها نمانده‌اند. بنابراین، جای خالی تحقیقاتی که بتواند مؤلفه‌ها و عوامل تأثیرگذار بر رفتار مردم در هنگام وقوع حادثه را تعیین نموده و شرایط مناسب تغییر رفتار به سمت رفتارهای عقلایی و کم‌خطر را تعیین نماید، احساس می‌شود. به همین دلیل، این تحقیق در نظر دارد گروه‌هایی را که نیاز بیشتری به آموزش دارند را معین نماید تا برنامه‌های آموزشی بیشتر به سوی آن‌ها جهت‌گیری نمایند.

۲- روش تحقیق

این بررسی به روش توصیفی و تحلیلی، در قالب موردی-شاهدی و با نمونه‌ای از سرپرستان خانوار منتخب در شهر مشهد، به انجام رسیده است. به منظور گردآوری داده‌های میدانی سرپرستان خانوار به دو گروه معتقد و مطمئن از اقدامات انجام شده توسط مسئولین امداد و نجات و مدیریت بحران (که معتقد بودند اقدامات مورد نظر از طرف ستاد بحران را مورد توجه قرار می‌دهند) و غیر مطمئن (افرادی که معتقد بودند خود باید اقدام نموده و نمی‌توان منتظر دستورالعمل‌های مسئولین و امدادرسنان بمانند) دسته‌بندی شدند. افرادی که هنوز بین اطمینان و عدم اطمینان، مردد بودند، از نمونه مورد مطالعه حذف شدند. به همین منظور، نمونه‌گیری به صورت چند مرحله‌ای انجام شد. ابتدا به روش تصادفی خوشه‌ای در مناطق مختلف شهر (۱۳ منطقه شهری) خوشه‌های لازم معین شدند. آنگاه در هر خوشه با روش تصادفی ساده و استفاده از پلاک‌های شهرداری از بین ساکنین محدوده مورد نظر، خانوارها انتخاب گردیدند. با توجه به محدودیت‌های متعدد موجود در این تحقیق و با استفاده از روش‌ها، فرمول‌ها و نرم افزارهای موجود در این ارتباط، حجم نمونه نهایی در حد ۲۱۲ نفر تعیین گردید. روایی پرسشنامه از نظر ظاهری، محتوایی و سایر شاخص‌های علمی مورد تایید متخصصان امر قرار گرفته و پایایی پرسشنامه با بهره‌گیری از ۳۰ نمونه خارج از شمول نمونه اصلی، مورد سنجش قرار گرفت که با تعیین ضریب آلفای کرونباخ در حد ۸۱ درصد، پایایی پرسشنامه به اثبات رسید.





پس از جمع آوری داده‌های لازم، داده‌ها کدگذاری شده و با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پس از آزمون‌های اولیه، متغیرهایی که به طور جداگانه با نوع برخورد نسبت به اقدامات گروه‌های امداد و نجات ارتباط معنی‌دار یا نزدیک به سطح معنی‌داری داشتند (احتمال کمتر از ۰/۲) وارد مرحله آنالیز چندگانه شدند. البته برای جلوگیری از مشکل هم خطی بودن، از آنالیز همبستگی استفاده شد و از متغیرهایی که همبستگی بالایی با هم داشتند، متغیری انتخاب شد که در مرحله آنالیز اولیه، معنی‌داری بیشتری با نوع برخورد داشت. سپس از مدل رگرسیون لجستیک و با روش ورود داده‌ها، استفاده شد. در این مرحله، متغیرهای با احتمال کمتر از ۰/۱ در مدل حفظ شدند و برای ارائه مدل نهایی، سایر متغیرهایی که p بیش از ۰/۲ در مرحله اول آنالیز داشتند، نیز برای ورود به مدل بررسی و در صورت لزوم، تغییر مقیاس داده شدند تا در نهایت با حذف اثرات مخدوش‌کنندگی، عواملی که ارتباط واقعی با نوع روش دارند، مشخص گردند. برای بیان شدت ارتباط در مدل نهایی از نسبت شانس استفاده گردید و سطح معنی‌داری ۰/۱ در نظر گرفته شد. برازندگی مدل با آزمون هاسمر و لمشو مورد تایید قرار گرفت و برای بررسی باقیمانده‌ها از آزمون کولموگراف - اسمیرنوف استفاده شد.

۳- مبانی نظری

بحران که در این مطالعه به عنوان محیط زمینه ساز مطرح شده است، به اشکال گوناگونی تعریف شده است. در دیدگاه اقتصادی، بحران بر حسب حرکت منفی در متغیرهای اقتصاد کلان و شکست سیاست‌های اقتصادی دولت تعریف می‌شود و پژوهشگران این عرصه برای مطالعه بحران و نحوه اداره آن به دنبال محرک‌های اقتصادی و سیاسی هستند (Slater, ۱۹۸۴). جامعه‌شناسان، بحران را در بی‌عدالتی موجود در جامعه، مشکلات اجتماعی و موارد مشابه می‌دانند (گر، ۱۳۷۹: ۹۷). روان‌شناسان، بحران را بی‌هویتی افراد یا پوچ‌گرایی انسان‌ها و هیجان‌ناک‌ها تعریف می‌کنند. از این منظر، فرد و عکس‌العمل وی در برابر بحران مورد مطالعه قرار می‌گیرد (Caplan, ۱۹۷۰). دانشمندان علم مدیریت، بحران را بر اساس میزان اثراتی که بر سازمان و ساز و کارهایی که برای کنترل بحران به کار می‌گیرند، تعبیر و تفسیر می‌کنند (رضوی، ۱۳۸۵: ۲۴). دیدگاه سیستمی نیز بحران را عبارت از شرایطی می‌داند که در کارکرد سیستم اخلال ایجاد نماید. بنابراین، هر وضعیتی که شرایط عادی زندگی شهری را دگرگون کرده و جریان روزمره زندگی را بر هم زند، بحران تعریف می‌شود. در چنین شرایطی، مردم به طور معمول رفتارهای عادی روزانه خود را نشان نداده و ناچارند، سریع در مقابل حوادث عکس‌العمل نشان دهند. چنانچه این رفتار بر اساس اصول تعریف شده علمی به انجام نرسد، می‌تواند خسارات مادی و معنوی را در پی داشته باشد که می‌توان از آن با عنوان بحران در بحران یاد نمود. نگاهی به تجربه ناشی از مدیریت بحران‌های محلی، ملی و بین‌المللی نشان می‌دهد که اساساً مدیریت بحران اغلب بر شیوه‌های مهندسی و فنی متکی بوده و مباحث انسانی و اجتماعی جایگاه چندان مهمی در این بین ندارد (برای اطلاع نگاه کنید به مقالات موجود در Google Scholar, ۲۰۱۰). این در حالی است که





حتی در بهترین شرایط، چنانچه مردم راه حل‌های ارائه شده را نپذیرند، هیچ یک از این راهکارها، ثمربخشی لازم را نداشته و به نتیجه نخواهد رسید. چرا که در بروز هر نوع رویداد طبیعی و اجتماعی که بتوان بر آن مفهوم بحران را اطلاق نمود، مردم در خط مقدم قرار دارند و در واقع زمان طلایی امداد و نجات، تنها در اختیار خود مردم است و معمولاً هنگام رسیدن نیروهای امدادی، این زمان تا حد زیادی سپری شده است (نمازی، ۱۳۸۱). در همین راستا، سازمان امداد و نجات هلال احمر، طرح بزرگ و ملی مدیریت بحران مبتنی بر جامعه با شعار «مردم برای مردم» را آغاز نموده است. هدف از این طرح، آگاهی اقشار جامعه از آموزه‌های امدادی و خود امدادی است تا پس از هر حادثه‌ای، افراد بتوانند بدون نیاز امدادگران، هموعان خود را نجات دهند (سازمان امداد و نجات هلال احمر، ۱۳۸۹). اما جهت‌گیری هدفمند این طرح و ارائه آموزش به کسانی که نیاز مبرم و فوری به این مساعدت‌ها داشته و در ضمن پذیرای آن باشند، از جمله اقداماتی است که باید با پژوهش و تحقیق مستمر به دست آید.

اکنون اصل پایه‌ای که در دنیا برای مدیریت بحران پذیرفته شده است، ایجاد فرهنگ ایمنی است (عسگری، ۱۳۸۹). در حقیقت معیار موفقیت هر کشور در زمینه مدیریت بحران و سوانح اعم از طبیعی و غیر طبیعی، میزان موفقیت در ایجاد و توسعه فرهنگ ایمنی، عنوان شده است. فرهنگ ایمنی، مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌ها و اعتقادات است که ایمنی در برابر سوانح و خطرات را در اولویت اقدام افراد و جامعه و کلیه نهادهای آن قرار می‌دهد.

وقتی صحبت از فرهنگ ایمنی است، آموزش‌ها باید شامل همه مردم و در همه جا باشد. اما برخی مدیریت بحران را پیش بینی بحران‌های بالقوه و برنامه ریزی در باره نحوه برخورد با آن‌ها (شکیبا، ۱۳۸۷: ۶۹۰)، آن هم با اقدامات فیزیکی و کالبدی می‌دانند. به همین دلیل، مهم‌ترین وظایف مدیریت بحران، انجام اقداماتی در چهارچوب مدیریت شهری، برای رهایی از مشکلات ناشی از بروز حوادث طبیعی، کاهش آثار سوء آن (پیشگیری) و آمادگی برای امداد رسانی و بهبود اوضاع (Rattien, ۱۹۹۰: ۴۴) عنوان می‌شود. حتی هنگامی که مدیریت بحران فرایندی پویا در قالب اقداماتی سنجیده تعریف می‌شود و شامل پیش از وقوع بحران (برنامه ریزی و آماده سازی)، در زمان وقوع بحران (کمک به آسیب دیدگان و امداد رسانی) و بعد از وقوع بحران (بازسازی و ترمیم) (Darbek, ۱۹۹۰: ۲۳) است، باز هم رفتار و عکس‌العمل مردم مورد توجه نمی‌باشد. این در حالی است که در مواردی، اوضاع بسیار نابسامان‌تر بوده و مدیریت بحران را در مرحله بعد از وقوع بحران، خلاصه می‌کنند و تنها بعد از وقوع بحران به تشکیل ستاد بحران می‌پردازند (حاتمی نژاد و جانبابانژاد، ۱۳۸۵: ۶۳). برگزاری همایش‌ها و گرد هم‌آیی‌های بعد از هر واقعه طبیعی و یا اجتماعی و بررسی علل، عوامل و زمینه‌های بروز آن، شاهدی بر این مدعا می‌باشد.

بر این اساس و با توجه به شرایط موجود، آماده سازی انسان‌ها برای مقابله با حوادث و رویدادهای غیر مترقبه و تجهیز آن‌ها به ابزارها و روش‌هایی که بتوانند با کمترین آسیب، خود و هموعان خود را از مهلکه نجات دهند، از جمله اولویت‌هایی است که تا کنون در تحقیقات و بررسی‌های مربوط به شرایط بحرانی مورد توجه قرار نگرفته و یا به قدر کفایت بدان پرداخته نشده است. به همین دلیل، این بررسی در نظر دارد تا حد امکان این شرایط را مد نظر قرار داده و از





این طریق توجه مسئولین و سیاست گذاران را به جایگاه مردم، آموزش آن‌ها و رفع تنگنایهای موجود در این ارتباط جلب نماید.

۴- سابقه علمی و پیشینه تحقیق

بر اساس برنامه راهبردی بین‌المللی کاهش بلایای سازمان ملل، کلیه مخاطرات دو منشأ دارند: مخاطرات طبیعی و مخاطرات ناشی از فناوری ((Moe & Patharkul, ۲۰۰۶: ۳۹۶) که در هر دو مورد، بهره‌گیری از مدیریت بحران برای کنترل شرایط ضروری به نظر می‌رسد. از مهم‌ترین وظایف مدیریت بحران، کاهش آثار سوء بحران، آمادگی و بهبود اوضاع پس از وقوع بحران است، به گونه‌ای که مدیریت بحران، بر یک مبنای اصولی شامل، تحلیل خطرپذیری، پیشگیری از فاجعه، آمادگی در برابر آن (قبل از وقوع بحران) کمک‌های اضطراری (حین وقوع بحران) و بازسازی (پس از وقوع بحران) می‌باشد (Buzan, ۱۹۸۳). به طور کلی، در بحران دو نیرو درگیر هستند (تن برگر، ۱۳۷۳: ۴۴). نیروی اول در جهت رشد فرد و نیروی دوم به سوی سقوط و انحطاط می‌باشد. به خاطر همین شرایط است که عموماً افراد آسیب دیده از بحران دچار تعارض در اهداف و تصمیم‌گیری می‌باشند.

اولین نوشته‌ها در ارتباط با مدیریت حوادث غیر مترقبه، مربوط به فردی به نام هنری دونان است. وی که یک تاجر بود و در حدود سال ۱۸۰۰، به قصد تجارت به الجزایر وارد شده بود، با مشاهده کشته‌ها و زخمی‌های ناشی از جنگ، تصمیم به مداوا و معالجه این افراد گرفت و بعدها خاطرات خود را در کتابی به چاپ رساند (نگاه کنید، به Brown, ۱۹۸۸). به طوری که همین خاطرات، سال‌ها بعد، زمینه تشکیل سازمان‌های بین‌المللی کمک و امداد و نجات را فراهم نمود (نگاه کنید، به Deming, ۱۹۶۹).

در ایران، تحقیقات و بررسی‌های مرتبط با مدیریت بحران در اوایل دهه ۱۳۶۰ آغاز شد. در همین راستا، اولین نوشته‌ها به کاظمی (۱۳۶۶)، اختصاص داشت که در کتابی با عنوان «مدیریت بحران‌های بین‌المللی»، بیشتر بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و انسانی را مطرح می‌کرد. بعدها، شادی طلب (۱۳۷۱)، مدیریت بحران در حوزه علوم اجتماعی را مطرح نموده و زمینه بحث در ارتباط با مسائل داخلی ایران را فراهم نمود. رهبر (۱۳۷۶)، با انتشار «گزارش دوره مدیریت بحران در ژاپن»، تجارب ارزنده‌ای را از ژاپن به عنوان یکی از پر پرحادثه‌ترین کشورها از نظر زلزله، در اختیار کارشناسان قرار داد. این کار در سال ۱۳۷۹ با نوشته‌های تاجیک، تحت عنوان «مدیریت بحران»، دنبال شد. بعدها عبدالمهدی (۱۳۸۰) در کتابی با عنوان «مدیریت بحران در نواحی شهری»، برخی از ابعاد مدیریت بحران در این حوزه را مورد بررسی قرار داد. سایر کارهای انجام شده در این ارتباط عبارتند از میترا و آنگناس (۱۳۸۱)، درابک و دیگران (۱۳۸۳)، بوث (۱۳۸۳)، حسینی (۱۳۸۳)، احمدی (۱۳۸۳)، محمود زاده، سعیدی (۱۳۸۴)، (۱۳۸۵)، برچر و جیمز (۱۳۸۶)، صفری (۱۳۸۷)، امیر (۱۳۸۷) و... البته در سال ۱۳۷۱، اولین کنفرانس بین‌المللی بلایای طبیعی در مناطق شهری در ایران برگزار شد که در این کنفرانس، بیش از ۱۱۲ مقاله ارائه گردید که کمتر از ۳ درصد مقاله‌ها به نوعی به مسائل





آموزشی و به طور غیر مستقیم به عکس العمل انسان‌ها در هنگام وقوع حادثه اختصاص یافته بود (وزارت کشور ۱۳۷۱). این شرایط در سطح جهان نیز دیده می‌شود و در میان تحقیقات انجام شده، جایگاه مسائل اجتماعی و به خصوص عکس العمل مناسب و سنجیده انسان‌ها در مقابل این حوادث، چندان رفیع نیست. حتی بسیاری از مجلات و نشریاتی که در حوزه علوم انسانی به چاپ می‌رسند، مقالاتی را مورد توجه قرار می‌دهند که مسائل مربوط به کنترل تنش‌های روانی و اجتماعی فردی و خانوادگی بعد از بحران را مورد توجه قرار داده‌اند و از چگونگی رفتار در مقابل حوادث و رویدادها، در آن‌ها خبری نیست (Javadian, ۲۰۰۷).

۵- تحلیل اطلاعات

در مرحله آنالیز اولیه (دو به دو) اختلاف معنی‌داری در دو گروه شاهد و مورد از نظر سن و شغل همسر، رضایت از تسهیلات و سطح درآمد دیده نشد (جدول شماره ۱ و ۲)، اما سطح زیربنا و مدت اقامت در شهر در گروه مورد (با رفتار غیر ایمن) به طور معنی‌داری کمتر بود (جدول شماره ۱). همچنین متغیرهای وضعیت آموزش‌های مرتبط، سطح تحصیلات و سطح تحصیلات همسر، ارتباط معنی‌داری با نوع برخورد داشتند (جدول شماره ۲)؛ به گونه‌ای که اقدامات خودسرانه به دلیل عدم اعتماد به امداد رسانی، در شاغلین بخش غیر اداری، ۵۰/۹ درصد در مقابل ۳۰/۲ درصد و احتمال مساوی ۰/۰۲ بوده است. افراد استفاده کننده از روش غیر اصولی و خودسرانه، دارای سطح تحصیلات کمتری نسبت به گروه شاهد بودند. علاوه بر آن، ۵۶/۹ درصد از مردانی که سطح تحصیلات همسر آن‌ها بیش از دیپلم بود، به سوی روش‌های مطمئن گرایش داشتند و در مقابل ۵۵/۱ درصد افرادی که دارای همسری با تحصیلات کمتر از دیپلم بودند، به روش‌های غیر مطمئن تمایل نشان می‌دادند (با احتمال مساوی ۰/۰۵۶). در مرحله دوم آنالیز متغیرهایی که در مرحله قبل، ارتباط معنی‌داری با متغیر وابسته (نوع روش) داشتند (احتمال کمتر از ۰/۰۵) و نیز آن‌هایی که سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۲ داشتند، وارد مدل رگرسیون لجستیک شدند و پس از تحلیل چندگانه در نهایت متغیرهای سن، وضع دریافت آموزش‌های مرتبط، مدت سکونت در شهر، تعداد فرزند و سطح زیر بنای مسکن در مدل باقی ماندند که پس از حذف اثرات مخدوش‌کنندگی سایر متغیرها، ارتباط واقعی معنی‌دار آماری با نوع برخورد با واقعه داشتند (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۱، اختلاف متغیرهای کمی در نمونه مشارکت کننده در تحقیق

متغیر	مورد	شاهد	سطح p
سن (سال)	۳۴	۳۵	۰/۰۶۶
مدت سکونت در شهر	۱۲	۱۳/۷	۰/۰۱۴
تعداد فرزندان	۲/۴۶	۱/۸۷	۰/۰۰۱۱





در نهایت، نتایج نشان داد که شانس استفاده از روش‌های غیر اصولی و خود سرانه برای افرادی که دوره‌های آموزشی را طی نکرده‌اند، $2/465$ برابر سایرین است. این مقدار برای افرادی که مدت اقامت آن‌ها در شهر کمتر است $1/181$ برابر افرادی است که از سابقه اقامت طولانی‌تری در شهر برخوردارند. به عبارت دیگر، به ازای هر سال اقامت در شهر، حدود ۸ درصد از احتمال بهره‌گیری از روش‌های خودسرانه، کاسته می‌شود.

در بررسی تعداد فرزندان خانوار نیز مشخص گردید کسانی که ۳ نفر و بیشتر فرزند دارند، بیش از سایر خانوارها از روش‌های غیر اصولی بهره برداری می‌کنند. این در حالی است که با افزایش سن سرپرست خانوار (بیش از ۴۰ سال) میزان بهره‌مندی از روش‌های خودسرانه به حدود دو برابر افراد کمتر از ۴۰ سال افزایش پیدا می‌کند. این مقدار برای سطح زیربنای واحد مسکونی نیز صادق بوده است. به طوری که سرپرستانی که از زیربنای مسکونی کمتر از ۱۰۰ متر بهره برداری می‌کردند، تقریباً $1/7$ برابر افرادی که زیربنای مسکونی آن‌ها بیش از ۱۰۰ متر بوده است، از روش‌های خودسرانه بهره برداری می‌کردند. تحلیل باقیمانده‌ها به منظور نشان دادن برازندگی مدل انجام شد که بر این اساس، آزمون کولموگراف-اسمیرنوف جهت بررسی نرمال بودن باقیمانده‌ها (نمره استاندارد معادل $5/39$ و احتمال کمتر از $0/001$) نشان داد که بر حسب متغیرهای مستقل، شرایط بیانگر نیکویی برازش مدل می‌باشد.





جدول شماره ۲، ارتباط بین متغیرها در افراد نمونه مورد بررسی

شرح	متغیر	شاهد (%)	مورد (%)	شانس (OR)	سطح P
شغل	اداری	۶۹/۸	۳۰/۲	۲/۹۶	۰/۰۰۲۲
	غیر اداری	۴۹/۱	۵۰/۹		
شغل همسر	شاغل	۵۵/۷	۴۴/۳	معنی دار نیست	۰/۴۱۸
	خانه دار	۴۷/۳	۵۲/۷		
	محصل	۴۸/۸	۵۱/۲		
تحصیلات	بالاتر از دیپلم	۵۸/۱	۴۱/۹	۱/۸۵	۰/۰۰۴۵
	کمتر از دیپلم	۴۵	۵۵		
تحصیلات همسر	بالاتر از دیپلم	۵۶/۹	۴۳/۱	۱/۸۷	۰/۰۰۵۶
	کمتر از دیپلم	۴۴/۹	۵۵/۱		
سطح زیر بنای مسکن	۱۰۰ متر و کمتر	۴۲/۵	۵۷/۵	۱/۸۶	۰/۰۰۰۵
	بیش از ۱۰۰ متر	۵۵/۱	۴۴/۹		
سن	۴۰ سال و کمتر	۴۸/۵	۵۱/۵	معنی دار نیست	۰/۷۶۴
	بیش از ۴۰ سال	۴۹/۶	۵۰/۴		
سطح درآمد (ماهانه)	کمتر از ۵۰۰ هزار تومان	۴۹/۶	۴۹/۴	معنی دار نیست	۰/۴۴۹
	بیشتر از ۵۰۰ هزار تومان	۵۴/۴	۴۵/۶		
رضایت از خدمات شهری	بلی	۵۰/۷	۴۹/۳	معنی دار نیست	۰/۵۶۱
	خیر	۶۵/۳	۳۴/۷		

۶- نتیجه گیری

مطالعه حاضر با این فرض مهم آغاز شد که آمادگی مردم در مقابل حوادث غیر مترقبه اندک می باشد. دلیل بی میلی مردم برای آمادگی بیشتر آن است که بسیاری از آن ها معتقدند که فاجعه در هر صورت رخ می دهد و در صورت روی دادن، خرابی های کلی و هزینه سرسام آوری به بار می آورد، در نتیجه کاری از دست کسی بر نمی آید. علاوه بر آن، مردم عنوان می دارند که وقتی حادثه رخ می دهد، افراد زیادی مجروح و کشته می شوند. مأموران آتش نشانی، پلیس و پرسنل خدمات آمبولانس پست خود را ترک می کنند و برای نجات افراد خانواده و خویشاوندان، اقدام می کنند و ... بنابراین، هدف آن است تا این دیدگاه تغییر پیدا کند و مردم ضمن پیدا کردن اعتماد به نیروهای کمک کنند، با اقدامات خودسرانه به تشدید بحران کمک نکنند. این هدف بدون آموزش و آگاهی رسانی به مردم امکان تحقق پیدا نخواهد کرد. شاید به همین دلیل است که در این مطالعه، حضور و یا عدم حضور در دوره های آموزش مربوط به عکس العمل در





مقابل حوادث غیر مترقبه، به عنوان مهم‌ترین تعیین کننده در استفاده از روش‌های مناسب رفتار در هنگام وقوع چنین حوادثی، به دست آمده است. با این وجود، به دلیل عدم وجود تحقیقات لازم در این ارتباط، امکان مقایسه این نتایج با یافته‌های به دست آمده، وجود ندارد.

با توجه به این که در آنالیز تک متغیره و تحلیل چندگانه، طی دوره‌های آموزشی تعیین کننده بوده است، نقش این عامل در اصلاح الگوی رفتار مردم، غیر قابل انکار به نظر می‌رسد. همچنین سن بالاتر از ۴۰ سال، عامل تعیین کننده مهمی در انتخاب روش برخورد عنوان شده است. یکی از دلایل این امر را می‌توان عدم تمایل به تغییر در این گروه از افراد ذکر کرد. زیرا به طور معمول شهروندان در سنین میان سالی و بالاتر به دلیل محافظه کاری بیشتر، تغییر در رفتار را به سادگی نمی‌پذیرند. نکته مهم دیگر آن است که در مرحله اول آنالیز، نقش میانگین مدت اقامت در شهر در انتخاب روش‌های خودسرانه کمتر بود، اما پس از ورود به مدل، افزایش مدت اقامت در شهر با افزایش میزان عدم اعتماد و بهره‌گیری از روش‌های خودسرانه همراه بود.

جدول شماره ۳، تحلیل چندگانه متغیرهای مرتبط با شیوه رفتار افراد در مقابل حوادث غیر مترقبه با استفاده از روش رگرسیون غیر شرطی

حد اطمینان OR		OR	P	Wald	S.E	B	متغیر پیش بین
پایین	بالا						
۱/۳۹۵	۴/۳۵۷	۲/۴۶۵	۰/۰۲۲	۵/۹۷۶	۰/۳۸۱	۰/۸۸۸	طی دوره آموزشی
۱/۱۲۵	۱/۲۳۹	۱/۱۸۱	۰/۰۱۶۵	۶/۴۵۳	۰/۰۳۱۹	۰/۰۷۸۱	مدت سکونت در شهر
۱/۱۳۸	۱/۸۷۲	۱/۴۳۹	۰/۳۷۶۷	۵/۲۳۲	۰/۱۴۶	۰/۲۷۷	تعداد فرزندان
۱/۱۳۴	۳/۱۷۵	۱/۸۹۷	۰/۰۹۰۲	۳/۳۳۶	۰/۳۴۴	۰/۵۹۹	سن
۱/۱۵۱	۲/۵۰۶	۱/۶۹۸	۰/۰۷۳۷	۴/۰۱۲	۰/۲۶۱	۰/۴۷۷	زیربنای واحد مسکونی
-----	-----	۲/۳۹۲	۰/۰۱۵۴	۶/۶۲۶	۰/۳۴۹	۰/۸۴۷	مقدار ثابت

یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد که افزایش تعداد فرزندان با افزایش بهره‌مندی از روش‌های اصولی و پیشنهادی از طرف مسئولین ستاد بحران همراهی نمی‌شود. در توجیه این مسئله می‌توان این فرض را مطرح نمود که دستگاه‌های متولی امور ایمنی و امداد نتوانسته‌اند، اعتماد و اطمینان این گروه را به دست آورند. البته برای بررسی دقیق‌تر دلایل این امر، پیشنهاد می‌شود، مطالعات کیفی لازم به انجام برسد.

همان‌طور که انتظار می‌رفت، تحصیلات سرپرست و همسر وی نیز به رغم معنی‌دار شدن در مرحله اول، در مدل رگرسیون باقی نماندند. شاید بتوان چنین استدلال کرد که با افزایش تحصیلات و آگاهی، افراد سعی می‌کنند بیش از هر عاملی، به توانایی و دانش خود متکی باشند. اما برای به دست آوردن دلیل واقعی، ضرورت پژوهش‌های بیشتر در این ارتباط احساس می‌شود.





اصولاً دانش عمومی در مورد بروز فاجعه و حوادث ناگوار بسیار اندک است و لازم است با برگزاری دوره های آموزش عمومی در مورد خطرات وقوع حوادث ناگوار حساسیت مردم و مسئولان را نسبت به اهمیت این موضوع افزایش داد. چرا که اگر رفتارهای مرتبط با حوادث و رویدادهای بحرانی به سمت رفتارهای دقیق و سنجیده هدایت شود، از افزایش هزینه های مادی و معنوی تا حد زیادی پیشگیری خواهد شد. اما شرط اصلی دسترسی به این هدف آن است که اولاً مردم آموزش های لازم را به دست آورند و در ثانی، از شیوه عمل صحیح و به هنگام مسئولین و اعضای ستاد بحران و گروه های کمک رسان، مطمئن باشند. برای رسیدن به این هدف مهم و اساسی، باید تحقیقات و پژوهش های گسترده ای در این ارتباط به انجام برسد. زیرا تا کنون، پژوهشی که نشان دهد مردم تا چه حد به عملکرد صحیح و سریع مسئولین اعتقاد داشته و نقش خود را چگونه ارزیابی می کنند، به انجام نرسیده است.

با وجود آن که عوامل و مؤلفه های مختلفی در اتخاذ رفتار دقیق و سنجیده افراد در هنگام بروز حادثه، ذی نقش هستند، لیکن این مطالعه به عنوان فتح بابی در این ارتباط، سعی کرده است برخی از این مولفه های را مورد توجه قرار دهد. بر این اساس، مشخص گردید که در انتخاب روش برخورد با حوادث غیر مترقبه و بحرانی، عواملی مانند طی دوره های آموزشی و یا دریافت اطلاعاتی در ارتباط با حوادث غیر عادی، بیشتر بودن مدت اقامت در شهر، بالا بودن سن سرپرست، بیشتر بودن تعداد فرزندان و کمتر بودن سطح زیر بنای واحد مسکونی مؤثرترند و در جهت اصلاح الگوی رفتاری افراد باید آموزش ها و اطلاعات لازم در اختیار مردم قرار گیرد. به خصوص این آموزش ها برای گروه هایی که در معرض خطر بیشتری قرار داشته و مؤلفه های زمینه سازی بیشتری دارند (که آن ها را به رفتارهای خودسرانه سوق دهد)، بیش از پیش احساس می شود.

به هر صورت باید توجه داشت که فقدان آگاهی مردم، مراجعات و ازدحام آن ها را در محیط های امداد رسان بیشتر کرده و این ازدحام نه تنها مشکلی از پرسنل امدادگر حل نمی کند، بلکه می تواند در شبکه امداد رسانی نیز وقفه و اختلال به وجود آورد. بنابراین باید گروه هایی که عمدتاً به چنین رفتاری روی می آورند، شناسایی شده و تحت آموزش های لازم قرار گیرند.

اصولاً روش های دیگر حفظ آمادگی، به مراتب هزینه برتر از آموزش است. مردم باید بدانند در صورت وقوع حادثه، چه مشکلاتی برای هم نوعانشان روی می دهد و از دست آن ها چه کاری بر می آید. در این برنامه باید به نقش جامعه و شبکه های اجتماعی موجود در منطقه و شبکه گروه های نوع دوست که در شرایط اضطراری حاضرند به یاری هم نوعان خود بشتابند، توجه خاص داشت.

از آنجا که هرکس می تواند در نجات قربانیان نقشی ایفا کند، آموزش باید فراگیر باشد و تمام کسانی را که می توانند به نحوی مؤثر واقع شوند، در برگیرد. با این وجود ارائه آموزش در هر مرحله از بروز بحران متفاوت می باشد. به عنوان مثال، در هنگام بروز حادثه اعلام خطر به مردم، آرایه آموزش های سمعی - بصری در مورد ایمنی، پخش آگهی





مسئولان، توصیه و ارایه شیوه‌های تخلیه منطقه خطر، آموزش روش‌های دستیابی به تسهیلات پزشکی و مراقبت‌های انبوه از مجروحین و ... برخی از روند آموزش و آگاهی رسانی قلمداد می‌شود

منابع و مأخذ

- احمدی، خدابخش (۱۳۸۳)، اصول و روش‌های مداخله روانی در بحران حوادث، طب نظامی، سال ششم، شماره اول، صص ۵۱-۴۵.
- امیری، عبدالرضا (۱۳۸۷)، بحران‌های طبیعی و نظم امنیت اجتماعی، سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا، پژوهشکده امنیتی انتظامی: تهران.
- برچر، میشل و جیمز، پاتریک (۱۳۸۶)، شیوه‌های مدیریت بحران‌های بین‌المللی، ترجمه جمشید زنگنه، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۹، صص ۳۵-۲۷.
- بوٹ، سایمون (۱۳۸۳)، شبیه‌سازی تعاملی و آموزش مدیریت بحران، فنون جدید برای بهبود عملکرد، ترجمه حسین حسینی، فصلنامه سیاست دفاعی، سال دوازدهم، شماره ۲(۴۶)، صص ۱۳۴-۱۲۱.
- بیرودیان، نادر (۱۳۸۵)، مدیریت بحران، انتشارات جهاد دانشگاهی: مشهد.
- پیران، پرویز (۱۳۸۳)، پیامدهای و واکنش‌های آشکار ناشی از بحران‌ها و تهدیدهای اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۶، سال چهارم، صص ۱۰۳-۷۷.
- تاجیک، محمد رضا (۱۳۷۹)، مدیریت بحران، نشر فرهنگ گفتمان: تهران.
- تن برگر، دیو رونیه (۱۳۷۳)، مدیریت بحران، ترجمه محمد علی ذوالفقاری اصل، نشر حدیث: تهران.
- حاتمی نژاد، حسین و جانبابانژاد، محمد حسین (۱۳۸۵)، مدیریت بحران حوادث طبیعی (سیل) در شهر، مجله علوم جغرافیایی، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، شماره ۳، صص ۷۴-۵۸.
- حسینی، حسین (۱۳۸۳)، مدیریت بحران و تصمیم‌گیری، فصلنامه سیاست دفاعی، شماره ۲(۴۶)، صص ۱۴۳-۱۳۵.
- درابک، توماس ای. هواتمر، جرالده جی. (۱۳۸۳)، مدیریت بحران، اصول و راهنمای عملی برای دولت‌های محلی، ترجمه مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری: تهران.
- رضوی، حمید رضا (۱۳۸۵)، مدیریت بحران سازمانی، ماهنامه تدبیر، سال هفدهم، شماره ۱۷۰، صص ۲۵-۲۰.
- رهبر، ناصر (۱۳۷۶)، «گزارش دوره مدیریت بحران در ژاپن»، سازمان آتش نشانی تهران: تهران.
- سازمان هلال احمر (۱۳۸۹)، مدیریت بحران مبتنی بر جامعه، سازمان هلال احمر جمهوری اسلامی ایران: تهران.
- سعیدی، علیرضا (۱۳۸۴)، مدیریت بحران با استفاده از سیستم مدیریت شناور (جزیره ای)، راه و ساختمان، سال سوم، شماره ۲۸، صص ۶۷-۷۱.
- شادی طلب، ژاله (۱۳۷۱)، مدیریت بحران، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره اول، شماره ۳ و ۴، صص ۱۵۲-۱۲۵.
- شکیبا، علیرضا (۱۳۸۷)، بحران، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، انتشارات سازمان دهیاری‌ها و شهرداری‌های کشور، دوره اول، شماره ۱، تهران.





صفری، فرشته (۱۳۸۷)، برنامه ریزی و مدیریت بحران شهری با تأکید بر شریان‌های حیاتی (شهر ایلام)، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا، به راهنمایی، دکتر مسعود تقوایی، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
 عبدالهی، مجید (۱۳۸۰)، مدیریت بحران در نواحی شهری، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور: تهران.
 عسگری، علی (۱۳۸۹)، مجله اینترنتی مدیریت بحران، شماره سوم، مطلب پنجم، قابل دسترس در <http://disasterman.blogfa.com/۸۹۱۰.aspx>.
 کاظمی، سید علی اصغر (۱۳۶۶)، مدیریت بحران‌های بین‌المللی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی: تهران.
 گر، تد رابرت (۱۳۷۷)، چرا انسان‌ها شورش می‌کنند، ترجمه علی مرشد زاده، پژوهشکده مطالعات راهبردی: تهران.
 گرکز، یونس؛ گرکز، محمد و عطریچیان، محمد رضا (۱۳۸۳)، اصول مدیریت بحران در حوادث غیر مترقبه و بلایای طبیعی، یازدهمین کنفرانس دانشجویان عمران، دانشگاه هرمزگان، بندر عباس، ۱ تا ۴ دی‌ماه.
 محمود زاده، امیر (۱۳۸۵)، بحران و مدیریت بحران، چاپ ششم، انتشارات گل‌های محمدی: تهران.
 میترا، ای. ای. آنگناس، گاس (۱۳۸۱)، مدیریت به جران پیش از روی دادن، ترجمه محمود توتونچیان، موسسه عالی آموزش و پژوهش و برنامه ریزی: تهران.
 نمازی، باقر (۱۳۸۱)، بررسی وضعیت تشکل‌های مردمی داوطلب در جمهوری اسلامی ایران، ترجمه شهلا مختاری، سازمان شهرداری‌های کشور: تهران.
 وزارت کشور (۱۳۷۱)، اولین کنفرانس بین‌المللی بلایای طبیعی در مناطق شهری، دفتر مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران: تهران.

Booth, S. (۱۹۹۳), Crisis Management Strategy, Competition and Changes in Modern Enterprise, Routledge, New York.
 Brown, Pam (۱۹۸۸), Henny Dunant, Watford, England, Exley Publications.
 Buzan, B. (۱۹۸۴), People, States and Fear: The National Security Problem in International Relation Wheatsheaf, Brighton.
 Caplan, G. (۱۹۷۰), The Theory and Practice of Mental Health Consultation, Basic Books, New York.
 Darbak, Thomas E. (۱۹۹۰), Emergency Management: Stategies for Maintaining Organizational Integrity, TMT. New York.
 Deming, Richard (۱۹۶۹), Heroes of the International Red Cross, New York, Meredith Press.
 Javadian, Reza (۲۰۰۷), Social work responses to earthquake disasters: A social work intervention in Bam, Iran, International Social Work, ۵۰(۳), pg. ۳۳۴-۳۴۶.
 Moe, Tun Lin and Pathranakul, Pairote (۲۰۰۶), An Intergrated Approach to Natural Disaster Prevention and Management, Vol. ۱۵, No. ۳, Emerald Group Publishing Limited.
 Ownenes. F. (۱۹۹۵), City in Hellenistic World, London, Rotledge.
 Rattien, Stephan (۱۹۹۰), The Role of Media in Hazard Mitigation & Disaster Management, Disaster Press, Vol. ۱.
 Slatter, S.S.P. (۱۹۸۴), Corporate Recovery: A Guide to Turnaround Management, Penguin Books, Harmondsworth.



This document was created with Win2PDF available at <http://www.win2pdf.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.
This page will not be added after purchasing Win2PDF.